



مشرك

در قرآن کریم به مناسبت‌های مختلف از مسئله «شرك» و «مشركان» سخن به میان آمده است و در آیات متعددی از آنها سخن گفته شده است.

فهرست مندرجات

- ۱ - معنای لغوی
- ۲ - مُشرك از دیدگاه قرآن
- ۳ - عقاید مشركان از منظر قرآن
 - ۳.۱ - اعتقاد به شراکت غیر خدا در تدبیر امور
 - ۳.۲ - اعتقاد به شفاعت بتها
 - ۳.۳ - اعتقاد به صاحب فرزند بودن خدا
 - ۳.۴ - عدم اعتقاد به آخرت و معاد
 - ۳.۵ - اعتقاد به جبرگرایی
- ۴ - مشركان در قیامت
 - ۴.۱ - پشیمانی
 - ۴.۲ - لعن یکدیگر
 - ۴.۳ - استمداد از معبودان خود
 - ۴.۴ - تسلیم شدن نزد خدا
- ۵ - قرآن و اتمام حجت با مشركان
- ۶ - مشركان و عذاب مضاعف
- ۷ - پانویس
- ۸ - منبع

معنای لغوی

مشرك، اسم فاعل از ریشه «شرك» است که در لغت به معنی مخلوط شدن مالکیت

[۱] راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق بیروت، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق، چاپ اول، ص ۴۵۱.

و سهم و نصیب

[۲] لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۴۹.

می‌باشد؛ برخی نیز از آن به همکاری و تقارن دو یا چند فرد در عمل یا امری، به نحوی که برای هر کدام از آنها نصیب یا تأثیری در آن وجود داشته باشد، تعبیر نموده‌اند.

[۳] مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش، ج ۶، ص ۴۸.

در اصطلاح قرآنی مشرك به شخصی اطلاق می‌گردد که برای شخصی یا شیئی وجودی مستقل و مؤثر، در عرض خداوند قائل باشد و در اعمال خود سهم و نصیبی برای غیر خدا قائل شود.

[۴] التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۵۰.

مُشرك از دیدگاه قرآن

از آنجا که قرآن کریم به مسأله توحید و یگانگی خدا عنایت ویژه‌ای دارد، با افرادی که به هر نحو این اصل را زیر پا نهاده و بنا به دلایل مختلف به مخالفت با این رکن عظیم نظام هستی پرداخته‌اند، به مبارزه و روشنگری برخاسته و با روش‌های متفاوت به بررسی و ابطال عقاید آنان پرداخته است؛ لذا قسم اعظمی از آیات را به این قشر از انسان‌ها اختصاص داده و وضعیت دنیوی و اخروی آنها را به نمایش گذاشته است: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانُوا أَكْثَرَهُمْ مُشْرِكِينَ»

[۵] روم/سوره ۳۰، آیه ۲۳.

«بگو: در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند، چگونه بود؟ بیشتر آنها مشرك بودند!»

به مومنین سفارش نموده تا در زمین سیر کنند و عاقبت این مشركان را ببینند و در آن اندیشه کرده و عبرت بگیرند تا راه مشركان را ادامه ندهند.

[۶] طیب، سید عبدالحسین؛ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ش، چاپ دوم، ج ۱۰، ص ۳۹۵.

عقاید مشركان از منظر قرآن

← اعتقاد به شراکت غیر خدا در تدبیر امور

یکی از مهمترین عقاید مشركان، اعتقاد به شراکت جن و ملاتکه در خلقت بندگان، در تدبیر امور، در امر عبادت و... است؛ به این تصور که آفریدگار عالم، تدبیر جهان را بر اساس طبقاتی که در اجزای آن هست، به موجوداتی شریف و مقرب درگاه خود واگذار نموده است:

[۷] تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۲۶۶.

«وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَہُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»
[۸] انعام/سوره ۶، آیه ۱۰۰.

«آنان برای خدا همتایانی از جن قرار دادند، در حالی که خداوند همه آنها را آفریده است و برای خدا، به دروغ و از روی جهل، پسران و دخترانی ساختند؛ منزه است خدا، و برتر است از آنچه توصیف می‌کنند!»
در این آیه قرآن متذکر برخی از عقاید شرک آلود مشرکان شده است؛ چون برخی از آنان شرور را به شیطان نسبت می‌دادند و برخی دیگر که به فرزند دار بودن خدا معتقد بودند، آنها را به عنوان شرکائی برای خدا قلمداد کرده و آنها را مؤثر در وقایع عالم می‌دانستند؛ مانند یهود و نصاری که «عزیر نبی» و «عیسای مسیح» را فرزندان خدا می‌دانند.
[۹] تفسیر التبیان، ج ۴، ص ۲۱۹.

← اعتقاد به شفاعت بتها

یکی از عقاید رایج بین مشرکان، اعتقاد به شفاعت بتها نزد خداوند است، چنانچه قرآن از این عقیده باطل این گونه تعبیر نموده است: «وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ...»
[۱۰] یونس/سوره ۱۰، آیه ۱۸.
«آنها غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند، و نه سودی می‌بخشد و می‌گویند: اینها شفیعیان ما نزد خدا هستند!...»
مشرکان به دلیل عدم لیاقت‌شان برای رسیدن به لقای الهی بدون واسطه، بت‌هایشان را به عنوان شفیع نزد خدا قرار می‌دهند؛ زیرا قائلند که اینها نزد خداوند صاحب مقام و منزلت هستند؛ اما خداوند متعال این اعتقاد مشرکان را رد نموده و می‌فرماید: آنچه را که شما به عنوان واسطه فیض و شفاعت پرستش می‌کنید، هیچگونه نفع و ضرری برای شما ندارد.
[۱۱] بانوی اصفهانی امین، سیده نصرت؛ مخزن العرفان فی تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش، ج ۶، ص ۱۴۳. برای مطالعه ی بیشتر درباره این عقیده مشرکان می‌توان به زمر/۳ و ۴۳ نیز مراجعه نمود.

← اعتقاد به صاحب فرزند بودن خدا

گروهی از مشرکان (یهود و نصاری) بر این عقیده‌اند که عزیر (عزرای کاهن) و مسیح، فرزند خدا هستند: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَ قَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا...»
[۱۲] توبه/سوره ۹، آیه ۳۰.
«یهود گفتند: عزیر پسر خداست! و نصاری گفتند: مسیح پسر خداست! این سخنی است که با زبان خود می‌گویند، که همانند گفتار کافران پیشین است؛ خدا آنان را بکشد، چگونه از حق انحراف می‌یابند؟!...» همچنین آیات بقره/۱۱۶
[۱۲] بقره/سوره ۲، آیه ۱۱۶.
، مانده/۱۷ - ۱۸
[۱۴] مانده/سوره ۵، آیه ۱۷ و ۱۸.
، مریم/۸۸ - ۹۳
[۱۵] مریم/سوره ۱۹، آیه ۸۸-۹۳.
، انبیاء/۲۶
[۱۶] انبیاء/سوره ۲۱، آیه ۲۶.
و زمر/۴
[۱۷] زمر/سوره ۳۹، آیه ۴.
نیز در این رابطه‌اند.
این آیه ناظر به این اعتقاد اهل کتاب است که به جهت رسیدن به منافع خود، خداوند را به صورت شخصیتی که صاحب فرزند است تصور کرده، به طوری که عزیر نبی و عیسی نبی را فرزند او می‌دانستند؛ اما خدای تبارک این عقیده باطل را ساختگی دانسته و آن را سخنی بدون دلیل و برهان می‌خواند که شبیه و موافق با اقوال و عقاید کفار است.
[۱۸] طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش، چاپ سوم، ج ۵، ص ۲۶.

← عدم اعتقاد به آخرت و معاد

عدم اعتقاد به آخرت و معاد عقیده دیگر مشرکان ایست که قرآن در بسیاری از موارد آن را مطرح نموده است: «وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ... أَيْدِكُمْ أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَ كُنْتُمْ تُرَاباً وَ عِظَاماً أَنْتُمْ مُخْرَجُونَ... إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا تَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ»
[۱۹] مومنون/سوره ۲۳، آیه ۲۳ و ۲۵ و ۲۷.
«ولی اشرافیان (خودخواه) از قوم او که کافر بودند، و دیدار آخرت را تکذیب می‌کردند، گفتند: ... آیا او به شما وعده می‌دهد هنگامی که مردید و خاک و استخوان‌هایی (پوسیده) شدید، بار دیگر (از قبرها) بیرون آورده می‌شوید؟! مسلماً غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی در کار نیست؛ پیوسته گروهی از ما می‌میریم، و نسل دیگری جای ما را می‌گیرد و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد!»
قرآن کریم در این آیات به نقل سخن مشرکان قوم هود یا صالح نبی
[۲۰] تفسیر التبیان، ج ۷، ص ۲۶۵.
پرداخته که آنها پس از دعوت شدن به یکتاپرستی، با انکار معاد و زندگی پس از مرگ سعی می‌کنند عامه مردم را علیه پیامبرشان بشورانند:
[۲۱] تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۳۱.
«وَلَيْنِ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلَكُمْ لَأَنَّكَ لَ تَخْسِرُونَ»
[۲۲] مومنون/سوره ۲۳، آیه ۳۴.
«و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، مسلماً زیانکارید» آیات دیگر که در مورد عدم اعتقاد مشرکان به آخرت و معاد بوده از این قرار است: یونس/۱۵
[۲۳] یونس/سوره ۱۰، آیه ۱۵.
و نیز همان سوره/۸۱ - ۸۲
[۲۴] یونس/سوره ۱۰، آیات ۸۱-۸۲
، صافات/۱۶
[۲۵] صافات/سوره ۳۷، آیه ۱۵.
و ۲۲
[۲۶] صافات/سوره ۳۷، آیه ۲۲.
، نازعات/۱۰ - ۱۲
[۲۷] نازعات/سوره ۷۹، آیه ۱۰-۱۲.
و جاثیه/۱۰ - ۱۲
[۲۸] جاثیه/سوره ۴۵، آیه ۱۰-۱۲.

← اعتقاد به جبرگرایی

مشركان براي توجیه شرک نسبت به خدا و عدم انفاق خود به نیازمندان، خود را مجبور و مقهور خواست خداوند معرفی میکردند: «و قَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ...»

[۲۹] زخرف/سوره ۴۲، آیه ۲۰.

«آنان گفتند: اگر خداوند رحمان میخواست، ما آنها را پرستش نمی کردیم!»

در این آیات، مشركان در پاسخ انبیاء که چرا به خدا شرک می ورزید؟ می گفتند: اگر خدا میخواست ما مشرک نمی شدیم، آنها با این سخنان باطل و بی اساس، خود را مجبور به شرک می دانستند و خدا را مسئول گمراهی خود معرفی می کردند؛ چرا که او بر هدایت آنها قادر است؛ ولی عمداً آنها را در ضلالت نگه داشته است.

[۳۰] مدرسی، سیدمحمدتقی؛ من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ق، چاپ اول، ج ۱۲، ص ۴۵۰ و ۴۵۱.

مشركان در قیامت

قرآن کریم برای انداز مشركان، بنا به تناسب موقعیتشان صحنه هایی از عاقبت شوم آنان را در قیامت به تصویر کشیده که به برخی از آنها اشاره می گردد.

← پشیمانی

در روز قیامت که تکلیف مشركان روشن می شود از شرک خود اظهار پشیمانی می کنند:

«و يَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا آيِنَ شُرَكَائِكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ثُمَّ لَمَّا كُنْتُمْ فِي قُلُوبِكُمْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ»

[۳۱] انعام/سوره ۶، آیه ۲۲ و ۲۳.

«آن روز که همه آنها را محشور می کنیم؛ سپس به مشركان می گوئیم: معبودهایتان، که همتای خدا می پنداشتید، کجایند؟ (چرا به یاری شما نمی شتابند؟) سپس پاسخ و عذر آنها، چیزی جز این نیست که می گویند: به خداوندی که پروردگار ماست سوگند که ما مشرک نبودیم!»

مشركان در روز قیامت در برابر سؤالات در ارتباط با ساختگی بودن معبودها و اینکه هیچ گونه اثری از قدرت نمایی آنها در این عرصه وحشتناک دیده نمی شود! پاسخی جز انکار شرک و بیزاری از آن ندارند.

[۳۲] تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.

← لعن یکدیگر

مشركان و معبودان آنها در صحنه قیامت، به لعن و نفرین یکدیگر می پردازند؛ قرآن این واقعه را این گونه بیان نموده است: «و قَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَ لَعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا»

[۳۳] عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۲۵.

«(ابراهیم) گفت: شما غیر از خدا بت هایی برای خود انتخاب کرده اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد؛ سپس روز قیامت از یکدیگر بیزار می شوید و یکدیگر را لعن می کنید!»

حضرت ابراهیم (ع) برای مقابله با مشركان که بت ها را مایه دوستی و نزدیکی به همدیگر می دانستند، به آنها گوشزد می کند که در روز قیامت با دیدن عذاب الهی، این رشته محبت بین شما گسسته شده و لعن و نفرین جایگزین آن می گردد.

[۳۴] مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۱۰، ص ۳۹.

← استمداد از معبودان خود

در روز قیامت مشركان از معبودهایی که به عنوان شریک خداوند قرار داده بودند، یاری میجویند: «و يَوْمَ يَقُولُ نادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ...»

[۳۵] کهف/سوره ۱۸، آیه ۵۲.

«به خاطر بیایرید روزی را که (خداوند) می گوید: همتایانی را که برای من می پنداشتید، بخوانید (تا به کمک شما بشتابند!)؛ ولی هر چه آنها را می خوانند، جوابشان نمی دهند...»

خداوند برای این که به مشركان ثابت کند که چیزهایی که برای خدا شریک قرار داده اند، هیچ قدرتی ندارند و این پرستش آنها تنها بر اساس توهمات، پایه ریزی شده، با تصویر وضعیتشان در قیامت، آنها را به تفکر وامی دارد تا درباره شرک خود دقت بیشتری کنند. این آیه متذکر می شود که خداوند در روز قیامت به مشركان امر می کند تا از شریکان ساختگی درخواست کمک کنند، اما هیچ گونه جوابی در یاری خواهی از آنها داده نمی شود، چرا که آنها هیچ قدرت و نفع و ضری ندارند.

[۳۶] فضل الله، سیدمحمدحسین؛ تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ق، چاپ دوم، ج ۱۴، ص ۳۴۷.

← تسلیم شدن نزد خدا

مشركان در قیامت در برابر خواست خدا تسلیم مطلق اند:

«أَخْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ أَوْجَهْتُمْ وَ مَا كَانُوا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ... مَا لَكُمْ لَاتَتَّصِرُونَ بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ»

[۳۷] صافات/سوره ۳۷، آیات ۲۲ تا ۲۶.

«(در این هنگام به فرشتگان دستور داده می شود): ظالمان و همردیفان شان و آنچه را می پرستیدند (آری آنچه را) جز خدا می پرستیدند، جمع کنید و به سوی راه دوزخ هدایتشان کنید!... شما را چه شده که از هم یاری نمی طلبید؟! ولی آنان در آن روز تسلیم قدرت خداوندند!»

آیه دال بر این مطلب است که مشركان و معبودهای آنها همگی در قیامت محشور می شوند، در حالی که معبودهای خود را که به یاری آنها امید و تکیه داشتند، نیز همراه خود حاضر می بینند، و چاره ای جز تسلیم ندارند؛ چون مستسلم به کسی گفته می شود که خود بخود تسلیم نمی شود؛ بلکه باید او را به اجبار تسلیم کنند.

[۳۸] اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۲۶.

قرآن و اتمام حجت با مشركان

یکی از سنت های الهی که در تمام اعصار تاریخ بشر به آن عمل شده، سنت اتمام حجت با کفار و مشركان است: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهَيْبًا لِلَّذِينَ اتَّخَذُوا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ»

[۳۹] قصص/سوره ۲۸، آیه ۵۹.

«و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند...»

بنابر آیات قرآن در هیچ زمانی بدون اتمام حجت که به طرق مختلفی صورت می گرفته از جمله: بعثت رسولان، نزول کتب آسمانی، اخبار از عذاب و نابودی گذشتگان، معجزات و دلایل، عذابی بر مشركان و کفار نازل نشده است.

[۴۰] اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۵۸.

از باب نمونه به ذکر دو آیه بسنده می‌شود: «وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ» [۴۱] حجر/سوره ۱۵، آیه ۴.

«ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه اجل معین (و زمان تغییر ناپذیری) داشتند!» و «قَانَ أَعْرَضُوا قَوْلُ أَنْذَرْتُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَ تَمُودَ» [۴۲] فصلت، سوره ۴۱، آیه ۱۲.

«اگر آنها روی گردان شوند، بگو: من شما را از صاعقه‌ای همانند صاعقه عاد و ثمود می‌ترسانم!»

مشركان و عذاب مضاعف

سران مشرکان و پیروان آنها هنگام ورود به جهنم، همدیگر را لعن کرده و پیروانشان برای رهبران مشرک خود از خداوند درخواست عذاب دو برابر می‌کنند: «...قَالَتْ أَخْرَاهُمْ لِأَوْلَادِهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَصْلَوْنَا فَاتَيْهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ» [۴۳] اعراف/سوره ۷، آیه ۲۸.

«... (در این هنگام) گروه پیروان درباره‌ی پیشوایان خود می‌گویند: خداوند! اینها بودند که ما را گمراه ساختند پس کیفر آنها را از آتش دو برابر کن! (کیفری برای گمراهیشان، و کیفری بخاطر گمراه ساختن ما.) می‌فرماید: برای هر کدام (از شما) عذاب مضاعف است؛ ولی نمی‌دانید.» پیروان مشرکین پاسخ می‌شنوند که برای همه شما عذاب مضاعف است و عذاب پیروان به این دلیل مضاعف است که آنها بدون دلیل عقلی و شناخت از واقعیتها از رهبران مشرک پیروی کرده و عنان خود را به دست آنها سپرده و عقاید ضاله آنها را تبلیغ و ترویج دادند. [۴۴] مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش، چاپ اول، ج ۸، ص ۳۴۲.

پانویس

- ↑ راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق بیروت، دارالعلم الدارالشامیة، ۱۴۱۲ق، چاپ اول، ص ۴۵۱.
- ↑ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۴۹.
- ↑ مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش، ج ۶، ص ۴۸.
- ↑ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۵۰.
- ↑ روم/سوره ۳۰، آیه ۴۲.
- ↑ طیب، سید عبدالحسین؛ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸ش، چاپ دوم، ج ۱۰، ص ۳۹۵.
- ↑ تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۲۶۶.
- ↑ انعام/سوره ۶، آیه ۱۰۰.
- ↑ تفسیر التبیان، ج ۴، ص ۲۱۹.
- ↑ یونس/سوره ۱۰، آیه ۱۸.
- ↑ بانوی اصفهانی امین، سید نصر؛ مخزن العرفان فی تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش، ج ۶، ص ۱۴۳. برای مطالعه ی بیشتر درباره این عقیده مشرکان می‌توان به زمر/۳ و ۴۲ نیز مراجعه نمود.
- ↑ توبه/سوره ۹، آیه ۳۰.
- ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۱۶.
- ↑ مائده/سوره ۵، آیه ۱۷ و ۱۸.
- ↑ مریم/سوره ۱۹، آیه ۸۸-۹۲.
- ↑ انبیاء/سوره ۲۱، آیه ۲۶.
- ↑ زمر/سوره ۳۹، آیه ۴.
- ↑ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش، چاپ سوم، ج ۵، ص ۲۶.
- ↑ مومنون/سوره ۲۳، آیه ۲۳ و ۲۵ و ۳۷.
- ↑ تفسیر التبیان، ج ۷، ص ۳۶۵.
- ↑ تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱.
- ↑ مومنون/سوره ۲۳، آیه ۲۴.
- ↑ یونس/سوره ۱۰، آیه ۱۵.
- ↑ یونس/سوره ۱۰، آیات ۸۱-۸۳.
- ↑ صافات/سوره ۳۷، آیه ۱۵.
- ↑ صافات/سوره ۳۷، آیه ۲۲.
- ↑ نازعات/سوره ۷۹، آیه ۱۰-۱۲.
- ↑ جائیه/سوره ۴۵، آیه ۱۰-۱۲.
- ↑ زخرف/سوره ۴۳، آیه ۲۰.
- ↑ مدرسی، سیدمجتبی؛ من هدی القرآن، تهران، دار محبى الحسین، ۱۴۱۹ق، چاپ اول، ج ۱۲، ص ۴۵۰ و ۴۵۱.
- ↑ انعام/سوره ۶، آیه ۲۲ و ۲۳.
- ↑ تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.
- ↑ عنکبوت/سوره ۳۹، آیه ۲۵.
- ↑ مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۱۰، ص ۳۹.
- ↑ کهف/سوره ۱۸، آیه ۵۲.
- ↑ فضل الله، سیدمجدحسین؛ تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ق، چاپ دوم، ج ۱۴، ص ۳۴۷.
- ↑ صافات/سوره ۳۷، آیات ۳۲ تا ۲۶.
- ↑ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۲۶.
- ↑ قصص/سوره ۲۸، آیه ۵۹.
- ↑ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۵۸.
- ↑ حجر/سوره ۱۵، آیه ۴.
- ↑ فصلت، سوره ۴۱، آیه ۱۲.
- ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۲۸.
- ↑ مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش، چاپ اول، ج ۸، ص ۳۴۲.

منبع

سایت معارف قرآن
سایت پژوهه

رده‌های این صفحه : [شرک](#)